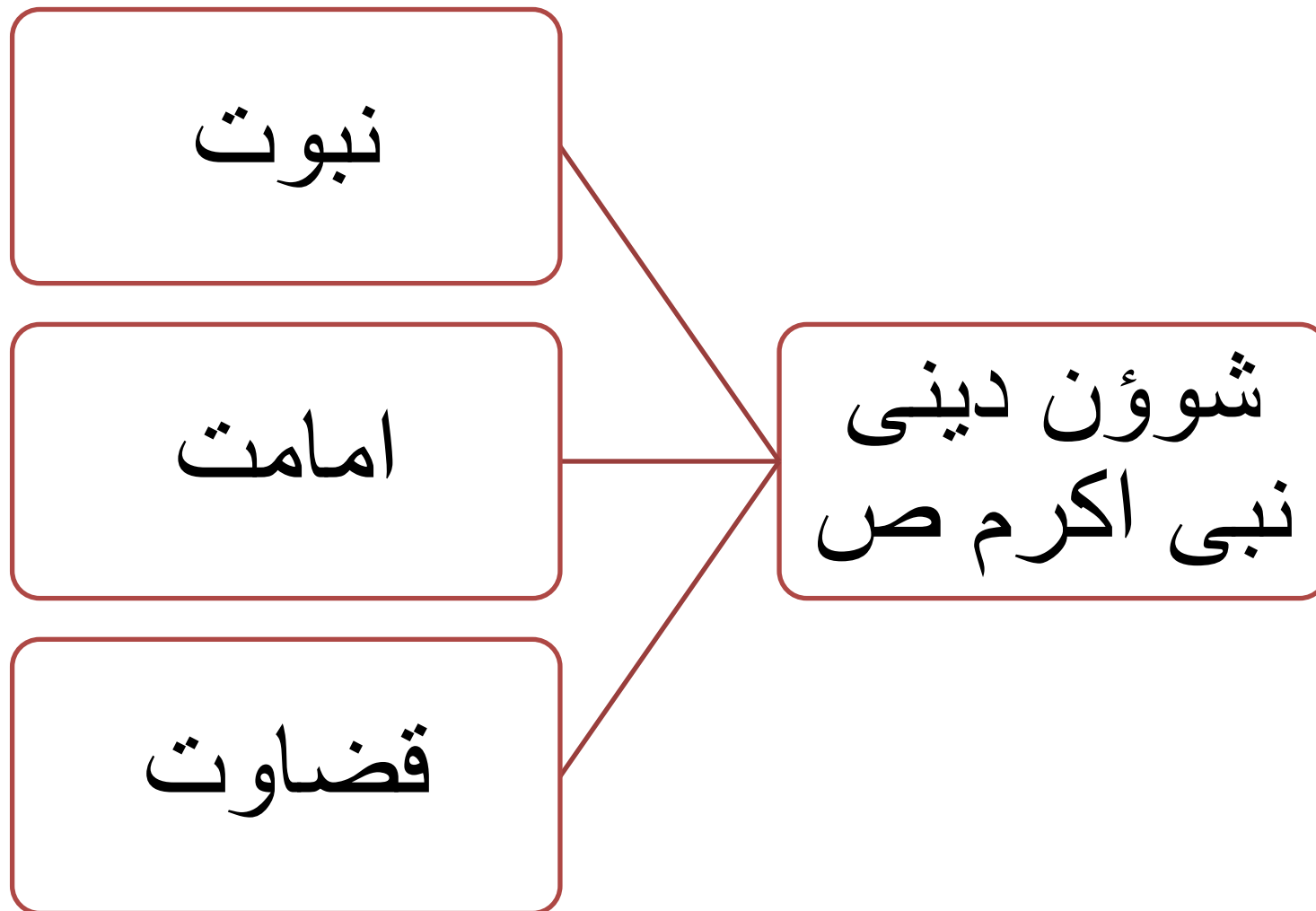


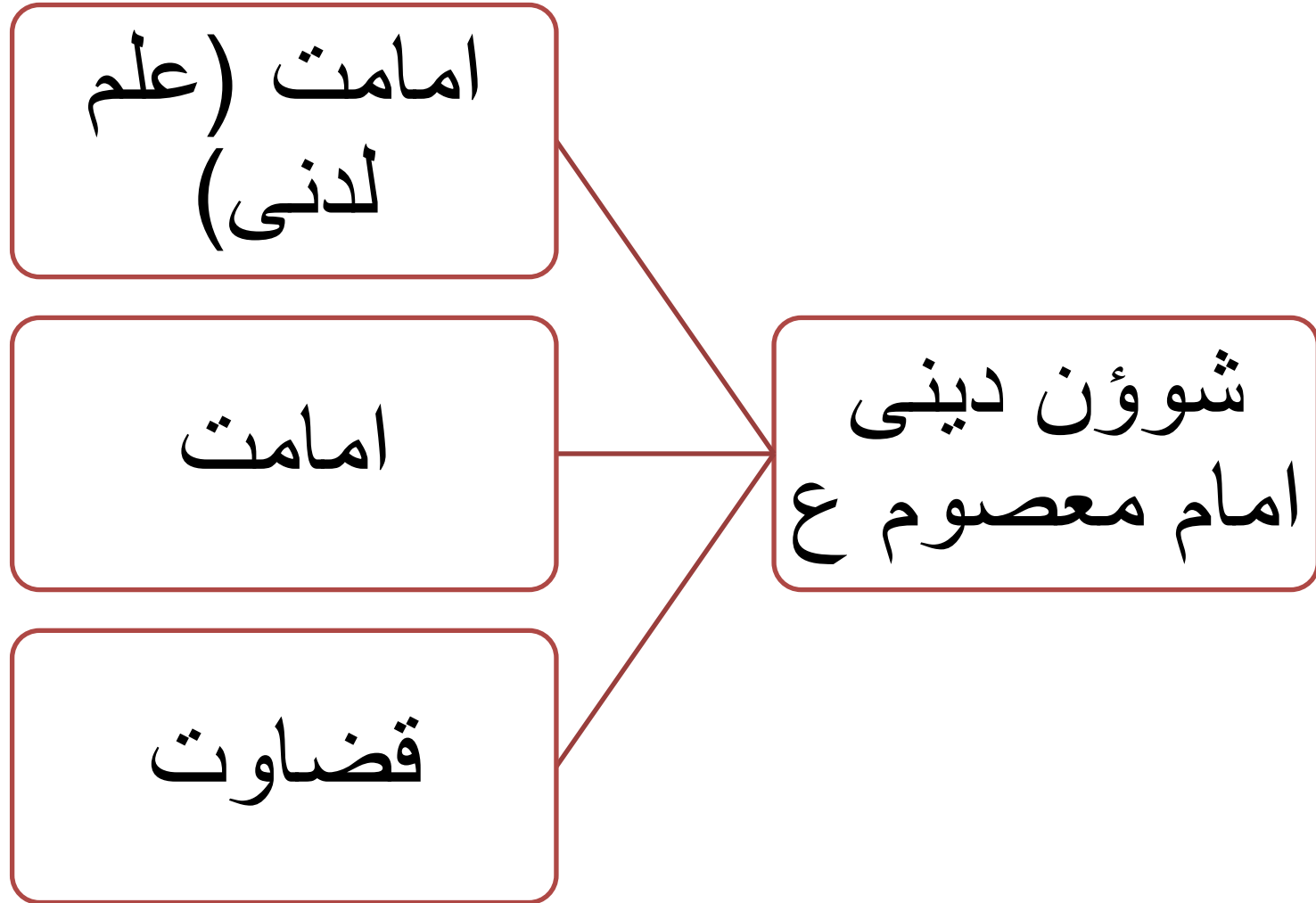
علم أصول الفقه

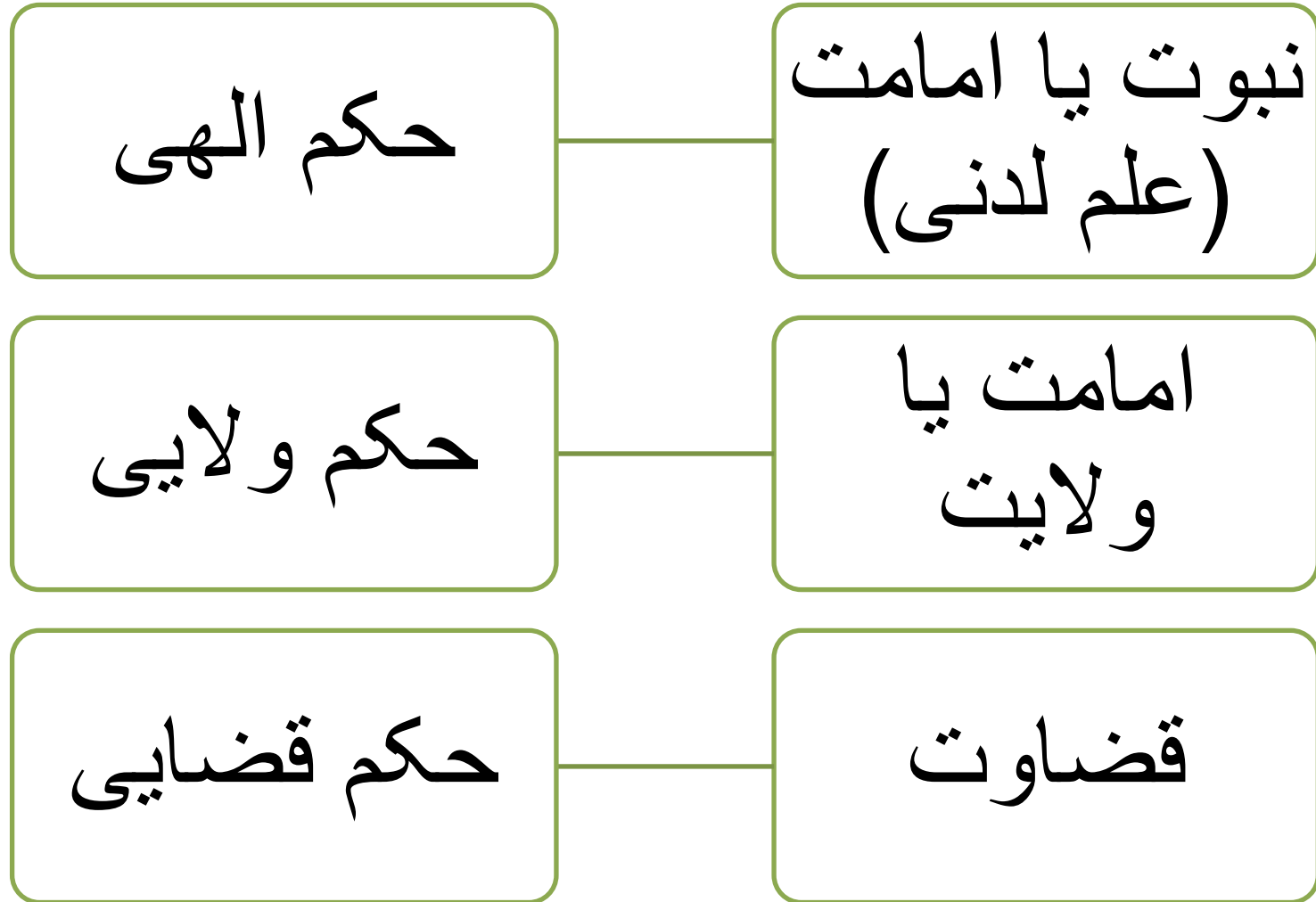
٧٠

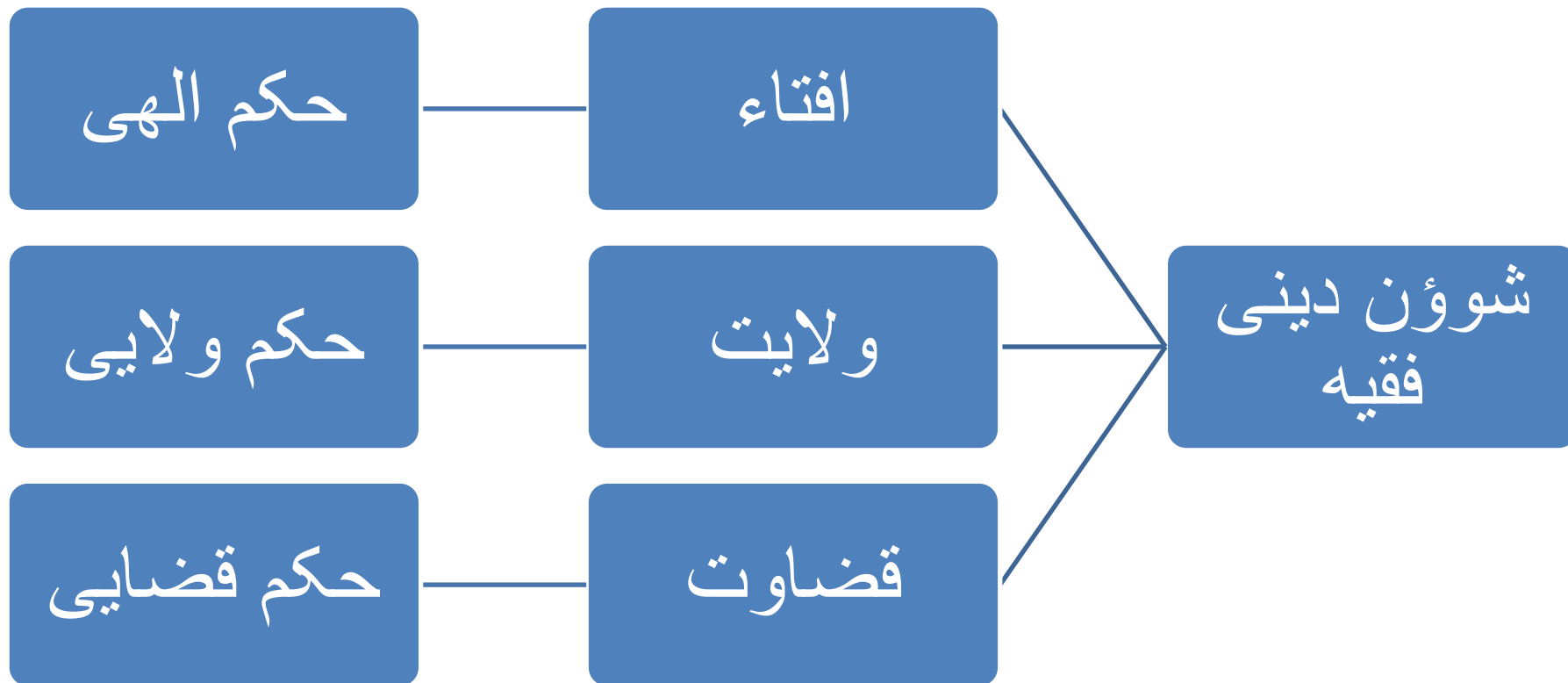
٩١-٢-٢ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني









شؤون معصومان عليهم السلام

- از آنجا که این تفاوت به صورت خاص در مورد فقیه آشکار است، ما با نگاهی دوباره به شؤون مختلف فقیه به تفاوت احکام قضایی با دیگر احکام می پردازیم. در پرتو این بیان تفاوت بین حکم ولایی و حکم الهی نیز بیشتر روشن می گردد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- یکی از شؤون فقیه، شأن فتوایی و شأن افتای او است. فقیه در این شأن صرفاً کاشف حکم الهی است که ممکن است در کشف خویش خطا کند و ممکن است بر صواب باشد.
- اصطلاحاً گفته می‌شود فتوای فقیه طریقت دارد. یعنی مادامی فتوای فقیه برای مقلدش حجت است که یقین به بطلان فتوا نداشته باشد. اگر یقین به بطلان حکم فقیه حاصل شود، آن حکم برای صاحب یقین حجت نیست.

شؤون معصومان عليهم السلام

- بنابراین اگر شخص یقین کند که فتوا غلط است، خواه درست آن را بداند یا نداند یا یقین نماید که مبنای فقیه غلط است - اگرچه نداند خود فتوا درست است یا خیر؟ - ، نمی تواند از فقیه تقلید کند یا در این فتوا مقلد او باشد.
- اگر مجتهد باشد، باید به فتوای خودش عمل کند، و اگر مجتهد نباشد باید احتیاط نماید یا به فقیه دیگری مراجعه کند. یعنی یقین به بطلان، مانع از عمل به فتوا می شود.

شؤون معصومان عليهم السلام

- لازم به ذکر است که ما در مورد فقیه مخطئه هستیم و معتقدیم فقیه ممکن است با همه‌ی دقت‌ها، در فتوای خویش اشتباه کند.
- اما این که فتوای فقیه طریقت دارد، صرفاً منحصر به بیان فقیه نیست. بیان معصوم نیز آنجا که حکم الهی را بازگو می‌کند، طریقت دارد.
- اگرچه مسلماً معصوم در بیان خویش خطا نمی‌کند. همان طور که قبلاً گفتیم قدر متقین عصمت، عصمت در بیان دین است و در این حوزه هیچ احتمال خطایی متصور نیست.

شؤون معصومان عليهم السلام

- شأن دیگر فقیه، شأن زعامت و رهبری جامعه است. او با این شأن می تواند به تناسب موقعیت، احکام ولایی صادر نماید.
- احکام ولایی درست مقابل احکام الهی و شأن ولایت مقابل شأن نبوت، امامت یا فتوای فقیه است. به این معنا که حکم ولی در احکام ولایی موضوعیت دارد، نه طریقت. حکم وجود دارد، اعتبار دارد و حقانیت دارد به دلیل این که ولی آن را جعل کرده است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در این حکم مطابقت با واقع و درستی مبانی دخالتی ندارد. حتی اگر شخص یقین کند که حکم اشتباه است - یعنی دریابد که مناسب با شرایط و مطابق با مصالح نیست - ، در مقام عمل نمی‌تواند مخالفت کند. احکام ولایی مشروعیت دارند و لازم‌الاتباع هستند و در اینجا فرقی نمی‌کند ولی معصوم باشد - مثل خود حضرت صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام - یا غیر معصوم.

شؤون معصومان عليهم السلام

- بله اگر شخص صاحب تخصص و صلاحیت باشد، می تواند اظهار نظر کند و دلایل خود را برای عدم مطابقت حکم با مصالح ارایه نماید؛ اما حق مخالفت با حکم را ندارد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- به طور مثال اگر اقتصاددانی بر اساس تخصص خویش یقین داشته باشد که حکم ممنوعیت واردات فلان کالا توسط مجلس شورای اسلامی به ضرر جامعه است، می تواند با ارایه‌ی دلایل خود به مجلس، نظر آنان را به مطلب صواب رهنمون سازد؛ اما حق ندارد خود اقدام به واردات کالای مورد نظر کند. اقدام به چنین کاری خلاف قانون و جرم است و او به بهانه‌ی تخصص و علم خویش نیز نمی تواند از قانون سرپیچی کند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- حکمت وجود چنین ویژگی در احکام ولایی، تحقق نظم اجتماعی است. نظم تبعیت از قانون را لازم دارد. اگر قرار باشد هر کس به نظر خویش عمل نماید، جامعه دچار هرج و مرج می شود.

شؤون معصومان عليهم السلام

- احكام قضايي نه همچون احكام الهي اند كه طريقت محض دارند و نه همچون احكام ولايي اند كه داراي موضوعيت محض هستند. آنها حالي بينابين دارند. در بعضي ابعاد طريقت دارند و در بعضي ابعاد موضوعيت.

شؤون معصومان عليهم السلام

- فرض کنید دو نفر بر سر خانه‌ای دعوا دارند و نزد قاضی می‌روند. قاضی بر اساس معیارهای قضایی، آن شخص را که خانه در اختیار او است، منکر و شخص دیگر را مدعی می‌شمارد. در یک روال قضایی، مدعی باید بینه بیاورد، اگر بینه نیاورد و یا نخواست بینه بیاورد، می‌تواند تقاضا نماید که منکر قسم بخورد. حال اگر منکر قسم نخورد و آن را به مدعی رد نماید، اینجا است که مدعی می‌تواند با قسم، حکم قاضی را متوجه خویش گرداند و بدین ترتیب حقیقش ثابت می‌شود. به هر حال بر اساس معیارهای قضایی، قاضی به نفع یکی از دو طرف دعوا حکم می‌کند. با صدور حکم قاضی، خصومت فصل می‌شود.

شؤون معصومان عليهم السلام

- این فصل یک فصل تشریحی است نه تکوینی. یعنی اینطور نیست که واقعاً خصومت بین آن دو از بین برود چرا که معمولاً قبل از حکم قضایی دو طرف با هم دعوا دارند و بعد از حکم، شخصی که علیه او حکم شده است، هم با طرف مقابل خود دعوا دارد و هم با قاضی. به عبارت دیگر نه تنها خصومت از بین نرفته، بلکه بر آن افزوده شده است. در فصل تشریحی، شریعت حکم می‌کند که با حکم قاضی حرف آخر زده شده است و در صورت قطعی شدن و نهایی شدن حکم، دو طرف دعوا، حق طرح مجدد دعوا را ندارند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- حال اگر آن کسی که حکم به نفع او صادر شده، بداند حکم مطابق با واقع نیست مثلاً بداند خانه واقعاً از آن او نیست، نمی‌تواند به صرف حکم قاضی، خانه را تصرف کند. او در صورتی حق تصرف در خانه را دارد که یقین به بطلان حکم قاضی نداشته باشد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- یعنی حکم برای او طریقت دارد. او نمی تواند بگوید: «با حکم قاضی خانه از آن من خواهد بود، اگرچه قبلاً از آن من نبود». اما کسی که علیه او حکم شده است، حتی اگر یقین داشته باشد که حکم قاضی اشتباه است، حق مخالفت با قاضی را ندارد. زیرا معنای مخالفت وی این است که خصومت فیصله نیافته است و او حق طرح دعوا دارد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- اشخاص دیگر که طرف دعوا نیستند، اگر بدانند حکم قاضی اشتباه است و مطابق با واقع نیست، نمی‌توانند بر اساس حکم قاضی خانه را از مدعی خریداری کنند.
- اما مادامی که یقین به بطلان ندارند، پایبندی به حکم قاضی برای آنها بلامانع است. یعنی می‌توانند خانه را از مدعی خریداری کنند یا آن را اجاره نمایند و... بنابراین حکم قضایی برای کسی که به نفعش حکم شده، طریقت دارد و برای طرف دیگر دعوا که علیه او حکم شده است، موضوعیت دارد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در این حکم نیز بین معصوم و غیر معصوم فرقی نیست. خود نبی خاتم در مورد قضا فرمود:
- «انما اقضى بينكم بالبينات و الايمان و بعضكم الحن بحجته من بعض، فايما رجل قطعت له من مال اخيه شيئاً فانما قطعت له به قطعة من النار» [من بر اساس یک سری معیارهای قضایی قضاوت می‌کنم. اگر مال دیگری را بر اساس آن معیارها به شما دادم، تکه‌ای از آتش را برایش جدا کرده‌ام].
- . الحر العاملي، وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۲۳۲ (کتاب القضاء، ابواب كيفية الحكم، باب ۲، ح ۱).

شؤون معصومان عليهم السلام

- حضرت صلی الله علیه و آله مأمور بود بر اساس بینه یا یمین حکم نماید و معنای حکم این نیست که شخص در حالی که می‌داند مال از آن او نیست، جواز تصرف را دریافت کرده است. حق تصرف منوط است به این که یقین به بطلان حکم نداشته باشد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- حکم قضایی کاملاً موردی و جزئی است؛ یعنی قاضی به لحاظ یک مسأله‌ی خاص، در یک دعوای خاص و بین دو نفر، حکم را صادر می‌کند؛ اما همچون دو حکم دیگر (حکم ولایی و حکم الهی)، امری دینی است. شأن قضاوت نیز از ناحیه‌ی دین به پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه عليهم السلام و یا فقها داده شده است.